

خلاقیت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار

زینب صادقی^۱ MSc، رضا محتشمی* MD، امیر میری^۲ BSc، سبحان صادقی^۳ BSc

*مرکز تحقیقات طب و دین، دانشگاه علوم پزشکی بقیه...^(ع)، تهران، ایران

^۱بخش مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

^۲دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه...^(ع)، تهران، ایران

^۳بخش مدیریت بازرگانی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

مقدمه: آموزش عالی معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم‌آوری و ارتقای دانش، مهارت و نگرش مورد نیاز فراگیران، به توسعه پایدار کمک می‌کند. آموزش عالی موجب ترویج دانش می‌شود و با پیشرفت‌های تحقیقاتی و علمی، دانش جدید نیز به وجود می‌آورد. دانش جدید، مدیون تفکر خلاق بشر است. بنابراین، خلاقیت در زمره مهم‌ترین و فراگیرترین فعالیت‌های انسان به‌شمار می‌رود. خلاقیت توانایی فرد برای تولید ایده-ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا بازسازی مجدد علوم و سایر زمینه‌هاست. آموزش عالی به‌عنوان نمودی از فرهنگ هر جامعه نقش بسیار زیادی در پویایی خلاقیت فراگیران دارد. هدف از این مطالعه، معرفی خلاقیت در آموزش عالی و بررسی نقش آن در توسعه پایدار بود.

نتیجه‌گیری: با تغییرات فراگیر در نظام آموزش عالی و تربیت افراد خلاق و نوآور می‌توان گامی در جهت تحقق و گسترش توسعه پایدار برداشت. تعلیم‌دهندگان به‌عنوان رکن اساسی نظام تربیتی، نقش بسیار مهمی در پرورش خلاقیت دارند. از این‌رو کلید تربیت فرهنگی را که خود کلید توسعه پایدار و ترقی جامعه است، باید در دست معلمان نوجو و نوآور یافت که به الگوهای مختلف خلاقانه تدریس وفادارند.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، آموزش عالی، توسعه پایدار

Creativity in higher education; a basic step to stable development

Sadeghi Z.¹ MSc, Mohtashami R.* MD, Miri A.² BSc, Sadeghi S.³ BSc

*Medicine & Religion Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

¹Department of Educational Administration, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

²Faculty of Medicine, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³Department of Business Management, Faculty of Literature, Orumie University, Orumie, Iran

Abstract

Introduction: Higher education represents a significant type of investment in human resources that help sustainable development by providing and promoting the required knowledge, skill and insights of learners. Higher education promote the knowledge and scientific and research progress gives rise to the new knowledge. New knowledge owes human's creative thinking. Therefore, creativity is among the most important and universal functions of human being. Creativity is the ability of individual to generate a new idea, theory and insight or reconstructing the sciences and the other fields. As a cultural symbol in a society, higher education plays a major role in creativity dynamic of learners. The aim of this study was to introduce the creativity in higher education and to examine its role in sustainable development.

Conclusion: It is possible to take a step towards realizing and expansion of the sustainable development by evolving extensive changes in supreme educational system and training creative and innovative students. As a principal basis of educational system teachers play a major role in nurturing the creativity. Therefore, the key to cultural education and preparation, which is itself the key to sustainable development and society progress, should be found in the hands of innovative and new-seeker teachers with a high loyalty to the various creative teaching patterns.

Keywords: Creativity, Higher Education, Sustainable Development

مقدمه

برای ارایه تصویری روشنی از خلاقیت در آموزش عالی، به‌عنوان گامی اساسی در جهت توسعه، ناگزیریم ابتدا مفهوم توسعه و ارتباط آن را با خلاقیت در آموزش عالی بررسی کنیم.

توسعه، مجموعه تغییرهایی است که موجب می‌شود یک نظام اجتماعی از شرایط خاصی از زندگی که نامطلوب تشخیص داده می‌شود، به‌سوی شرایط بهتر حرکت کند یا به‌عبارت دیگر، توسعه فرآیند جامع و فراگیری است که به‌وسیله انسان آغاز می‌شود و هدف آن بهبود بخشیدن به شرایط زیستی کلیه افراد جامعه است. آموزش عالی معرف نوعی سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم نمودن و ارتقا دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز فراگیران، به توسعه جامعه کمک می‌کند. آموزش عالی به‌طور قطع نه‌تنها موجب ترویج دانش می‌شود، بلکه با پیشرفت‌های تحقیقاتی و علمی، دانش جدید نیز به‌وجود می‌آورد و این دانش جدید مدیون تفکر خلاق منابع انسانی است [۲].

در این دوران فراصنعتی، خلاقیت نه‌تنها یک ضرورت، بلکه شرط بقاست و باید هر چه سریع‌تر درصدد شناخت و ایجاد آن برآمد. علی‌رغم ماهیت مهم و فراگیر خلاقیت، محققان تعلیم و تربیت به‌ندرت آن را مورد توجه قرار داده‌اند. در بسیاری از مجامع آموزشی کشورهای پیشرفته، غالباً وقتی از تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌هایی به‌منظور کاربرد خلاقیت سخن به‌میان می‌آید، به‌ندرت در عملی بودن و وجود زمینه‌های لازم به‌صورت جدی مقاومت نشان می‌دهند [۳].

برای مقابله مناسب با توسعه‌نیافتگی، به افرادی نیاز داریم که با اتکا به نیروی اراده و عقل خود، منطقی و خلاق بیاندیشند. موضوع خلاقیت و نوآوری اخیراً توجه بسیاری از اندیشمندان و مسئولان جوامع مختلف و به‌ویژه جوامع در حال توسعه را به خود جلب کرده است، به‌نحوی که جایگزینی نظام آموزش و پرورش ایستا با نظام آموزش و پرورش پویا و خلاق که مبتنی بر زایش است، مورد توجه خاصی قرار گرفته است [۴]. بدین ترتیب دانشگاه‌ها و سایر موسسات آموزش عالی سهمی مضاعف در توسعه پایدار دارند.

با توجه به آنچه گفته شد، هدف از نگارش مقاله حاضر تبیین نقش آموزش عالی در پرورش خلاقیت و در نتیجه توسعه پایدار جامعه بود و اینکه در این میان عنصر فرهنگ نقش کلیدی داشته است.

مفهوم توسعه و توسعه پایدار

واژه توسعه از قرن هفدهم میلادی وارد زبان انگلیسی شد [۵] و ابتدا توسط زیست‌شناسان به‌جای فرآیند ارگانیکی به‌کار می‌رفت. واژه توسعه تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم در جهان متداول شد [۶]. از دیدگاه اقتصادی توسعه به‌معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی قلمداد می‌شود [۷] و در آن پارامترهایی از جمله درآمد سرانه، تولیدات صنعتی و غیره به‌عنوان

عوامل تعیین‌کننده قلمداد می‌شوند [۸].

مدل‌های توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، به پیشنهاد غرب و به‌ویژه ایالات متحده برای کشورهای صدمه‌دیده از جنگ جهانی دوم مطرح شد. در این مدل، توسعه مترادف با رشد بود و شاخص محور آن، افزایش تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و سایر شاخص‌های کمی اقتصادی بود. این متغیرها که ملاک پیشرفت و توسعه کشورها به‌شمار می‌رفت، به‌دلیل عدم توجه به کیفیت زندگی انسان تغییر پیدا کرد. در این شرایط، توسعه به رشد مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای اساسی افراد و گروه‌های اجتماعی داخل جامعه و تبدیل وضعیت نامطلوب گذشته به‌سوی وضعیت مطلوب تعریف شد [۹]. از این‌رو توسعه، کلیه عوامل موثر در بهبود شرایط زیستی، یعنی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را در بر می‌گیرد. امروزه، محوریت توسعه با فرهنگ، اطلاعات و گسترش توانایی‌هاست [۲]. به‌عبارتی توسعه حرکتی به‌سوی یک حالت ارزشی است که ممکن است در یک ساختار اجتماعی به‌دست آید [۱۰].

تغییر رویکرد در توسعه و توجه به انسان و طبیعت تعریف جدیدی را ارایه می‌دهد که به توسعه پایدار معروف است. در رویکرد توسعه پایدار علاوه بر اهمیت دادن به متغیرهای کمی اقتصادی، به جنبه‌های کیفی زندگی انسان نیز توجه می‌شود. از این‌رو امروزه، دیگر ملاک سنجش پیشرفت کشور فقط توسعه اقتصادی نیست و به سایر حوزه‌های مرتبط با انسان که حاصل شرایط اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی جوامع است نیز توجه می‌شود. برای مثال، می‌توان به شاخص‌های توسعه پایدار که توسط سازمان ملل معرفی شده است اشاره کرد؛ شاخص‌هایی همچون آموزش، اشتغال ساختار اجتماعی و غیره [۱۰].

تعریف و توصیف خلاقیت

تعاریف متعددی از خلاقیت ارایه شده که در جدول ۱ برخی از تعاریف مهم آمده است [۱، ۱۱، ۱۲، ۱۳].

شخص	تعریف
توننی بازان	رسیدن به ایده‌های جدید به‌منظور حل مشکلات، با به‌کارگیری نیروی ذهن و قوای جسمانی در پرداختن به انبوه تصورات و رفتارها.
ویسبرگ و میمر	توانایی حل مسایل به روشی که فرد قبلاً حل آن را نیاموخته باشد.
کرافت	فعالیتی تخیلی، به‌منظور ایجاد نتایجی که هم ناب و اصلی و هم باارزش باشد.
ورنن	توانایی فرد برای تولید ایده‌ها، نظریه‌ها، پیش‌ها یا پدیده‌های جدید و بدیع و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌هاست که از نظر علمی، زیبایی‌شناسی، تکنولوژی و اجتماعی با ارزش تلقی شود.

موسسات آموزش عالی در توسعه ایده‌های نو و اظهار نظر در مورد جامعه و همچنین، سهیم شدن در ایجاد دانش جدید از آزادی منحصر به فردی برخوردارند. دانشگاه‌ها در توسعه کیفیت‌های پویا در دانشجویان خود نقش دارند و این کیفیت‌ها به آنها اجازه می‌دهد حداقل در زندگی حرفه‌ای خود با آزادی اراده و استقلال بالا و قدرت انتقاد عمل کنند. دانشگاه‌ها باید در دانشجویان خود شایستگی‌هایی را پرورش دهند که آنها بتوانند با شرایط و موقعیت‌های نامعین، همراه با عدم قطعیت و متضاد یا حداقل با ناهنجاری‌ها، ارزش‌ها و علایق واگرا مقابله کنند [۱۹].

باتوجه به نقشی که افراد خلاق و تیزهوش و صاحبان اندیشه‌های بکر در توسعه و ترقی کشورها دارند، گرانباترین سرمایه به‌شمار می‌روند و جایگاه بسیار ارزشمندی دارند. بدین منظور ایجاد زمینه‌های مناسب برای پرورش استعدادهای خلاق، مهم‌ترین مسئولیت پرورشی نظام آموزش عالی است.

نقش فرهنگ در گسترش خلاقیت و توسعه پایدار

عناصر فرهنگی همچون اطاعت بی‌چون و چرا از مراجع قدرت، احترام نگذاشتن به آرا و افکار دیگران، داشتن منش تحکمی، انقیاد و تسلیم در برابر شرایط موجود، اعتقاد به کسب توفیق، به‌قیمت حذف دیگران از صحنه، عدم رغبت به مشارکت و همکاری با دیگران در حل مسائل اجتماعی و بی‌رغبتی نسبت به یادگیری و تعلم را نمی‌توان در زمره خصوصیات فرهنگی مطلوب ارزیابی کرد. به‌دشواری می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که شهروندان آن واجد چنین ویژگی‌هایی باشند یا این ویژگی‌ها از عناصر فرهنگ آحاد آن جامعه به حساب آید و در عین حال در مسیر کمال و ترقی و نیکبختی گام برداشته باشند. از سوی دیگر، مجموعه‌ای از خصوصیات فرهنگی حاکم بر یک جامعه از قبیل حساس بودن نسبت به استدلال منطقی در برقراری ارتباط با دیگران، برخورداری از تحمل و شکیبایی در مواجهه با موقعیت‌های مبهم، آگاهی از ماهیت موقتی دانش و معرفت علمی، برخورداری از روح خلاقیت، عادت کردن به تفکر دقیق، علاقه‌مندی به تعهد نسبت به کوشگری و تحقیق، برخورداری از احساس همدلی و قابلیت سازگاری با تغییرات را می‌توان از جمله عناصر فرهنگی مطلوب، زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده در دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی- اجتماعی قلمداد کرد [۲۰].

تاثیر جو اجتماعی- فرهنگی جامعه بر خلاقیت تاحدی است که پژوهشگران معتقدند جوامع تازه استقلال‌یافته از استعمار بیگانه، انقلاب‌ها، جنگ‌ها و وفاق ملی، می‌توانند تاثیرات مثبت و منفی در بروز خلاقیت در هر جامعه‌ای داشته باشند [۲۱] که این یافته بر مجموعه‌ای از نتایج تجربی منطبق است [۲۲]. آموزش عالی به‌عنوان نمودی از فرهنگ هر جامعه نقش بسیار زیادی در پویایی خلاقیت فراگیران خود دارد [۲۳].

یکی از ابعاد مهم توسعه ملی، توسعه و باروری فرهنگ حاکم بر جامعه

ضرورت پرورش خلاقیت در آموزش عالی و توسعه پایدار

در عصر جدید و در کشاکش رقابت میان جوامع، برتری کشورها به میزان بهره‌مندی آنان از علم و دانش روز بستگی دارد و در نهایت کوشش علمی و برخورداری از فناوری است که زاینده نیروی انسانی خلاق و کارآمد، به‌عنوان اصلی‌ترین عامل دست‌یابی به توسعه است. برتری یک کشور بیش از آنکه به منابع طبیعی یا ظرفیت‌های موجود صنعتی متکی باشد، به میزان بهره‌مندی آن کشور از علوم و فنون و به پویایی نظام آموزش عالی آن کشور بستگی دارد. به‌همین دلیل، باشناخت ویژگی‌ها و نیازهای افراد خلاق و نیز رفع موانع و نیازهایی که بر سر راه آنها در آموزش عالی است، می‌توانیم به توسعه‌یافتگی در همه زمینه‌ها دست یابیم [۱۴]. آموزش عالی در تمام کشورهای در حال توسعه با دو چالش اساسی مواجه است که عبارتند از توسعه نیافتگی و جهانی شدن. منظور از توسعه‌نیافتگی، بی‌سوادی، فقر، بیماری‌ها، سوء‌تغذیه و بیکاری است و وظیفه آموزش عالی، هدایت و پرورش دانش‌آموختگان برای توسعه اقتصادی- اجتماعی است. جهانی شدن عبارت از وابستگی کشورها به یکدیگر و رقابت‌جویی است. وظیفه آموزش عالی در اینجا آماده‌سازی دانش‌آموختگان برای مقابله با اثرهای سوء جهانی شدن و توانمند کردن آنها برای رقابت با حریفان است. تنها راه مواجهه با دو چالش ذکر شده، دستیابی به‌شيوه‌های نوین آموزشی، استفاده از آنها و توجه واقعی به پرورش خلاقیت در آموزش عالی است که این همان مسیر اصلی و درست حرکت به‌سمت توسعه پایدار است [۱۵].

در رابطه با ایجاد نگرش خلاق در دانش‌آموختگان به نتایج پژوهش آلن چاک اشاره می‌شود؛ وی طی پژوهش خود دریافت که با برنامه‌ریزی‌های خاص می‌توان در نگرش دانش‌آموختگان نسبت به آموزشگاه، فرآوری خلاقانه و خودباوری تغییر به‌وجود آورد. نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش میلور است [۱۶]. باوجود اثربخشی و ماهیت مهم و فراگیر خلاقیت، روان‌شناسان و محققان تعلیم و تربیت به‌ندرت آن را مورد توجه قرار داده‌اند [۳]. پژوهشگران روان‌شناسی تحولی و اجتماعی خلاقیت، این سؤال را که این توانایی چگونه در خلال دوران بزرگسالی شخص بروز می‌کند را مورد مذاقه قرار داده‌اند [۱۷]. هالینگتون بر مبنای شناخت محیط زیست در زیست‌شناسی، نظریه اجتماعی خویش را از خلاقیت پایه‌ریزی می‌کند. وی معتقد است: خلاقیت محصول فردی واحد، در زمان واحد و در جای خاص نیست، بلکه عبارت از یک زیست‌بوم است. همان‌گونه که در یک زیست‌بوم موجودات زنده با یکدیگر و با زیست‌بوم‌شان مرتبط هستند، در زیست‌بوم خلاق نیز همه اعضا و همه جنبه‌های محیطی در حال تعامل هستند و ارتباط غیرخطی دارند. تاثیر ترکیبی محیط و زیست‌بوم خلاقیت، در چندین پژوهش بررسی شده و این نتیجه به‌دست آمده که فرآیند خلاقیت در ذهن شخص جدا از متغیرهای اجتماعی و زیست‌بوم قرار نمی‌گیرد [۱۸].

در ارتباط با پایداری در آموزش عالی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

شده‌ایم تا خود، آن را شخصا کشف یا اختراع کند" [۲۷]. هرگاه ما چیزی را به شخص منتقل کنیم و اطلاعات چندین و چندساله را بدون آنکه به تفکر بپردازد در اختیار او قرار دهیم، درواقع فرصت کشف کردن را از او گرفته‌ایم. اگر با این تصور که در زمان کوتاهی تمام دانسته‌های آماده و اطلاعات جمع‌آوری شده را مستقیماً در اختیار شخص قرار دهیم و فکر کنیم که این اطلاعات را بدون هیچ زحمتی به شخص واگذار کرده‌ایم، مانع بروز خلاقیت و ابتکار او در یادگیری شده‌ایم.

آموزش و پرورش خلاق و فعال، نقش تشنه‌کننده دارد، نه نقش سیراب‌کننده. چنین آموزش و پرورشی ذهن را از تعادل موجود خارج می‌سازد تا فرد، خود از طریق اصل تعادل جویی به تعادل دست یابد. به عبارتی، غایت علم، همان طرح موقعیت مبهم، مساله‌سازی، مجهول‌یابی، در برابر ندانسته‌ها قرار گرفتن، نداشتن تعادل ذهن و غیره است تا قدرت خلاقیت، ابداع، کشف، تفحص و تحقیق در فرد ظاهر شود. *نشتین* درباره جو آموزش دانشگاهی خود می‌گوید: "من به سرعت به وجود عاملی که فرد را به سوی پذیرش بی‌چون و چرای اصولی پذیرفته شده هدایت می‌کرد و افکار را از توجه به دیگر جوانب ظاهرا انحرافی برحذر می‌داشت، پی‌بردم. این عمل، بدون توجه به خواست فرد، به‌گونه‌ای اجباری مطالب را در ذهن انباشته می‌سازد. اضطراب ناشی از این اجبار اثر چنان مخربی بر من گذاشت که پس از پایان امتحانات نهایی، یک سال تمام، از ملاحظه و دقت در مسایل علمی پرهیز کردم. این را باید معجزه تلقی کرد که روش‌های معمول آموزشی تاکنون حس کنجکاو را در اینای بشر از بین نبرده‌اند" [۲۸].

به‌نظر می‌رسد نظام آموزش عالی به تحولی اساسی نیاز دارد، ولی قبل از هرگونه تغییر و تحول باید تغییرات اساسی در نوع نگرش به آموزش عالی صورت گیرد. به‌عبارت دیگر، باید به دانشگاه‌ها نه به‌عنوان موسسه‌های تولید مدرک، بلکه موسساتی با هدف تولید علم و نوآوری در تکنولوژی و خلاقیت نگریسته شود [۱۳].

لازم است این تغییر نگرش در دو سطح برنامه‌ریزان آموزشی، فراگیران و مجریان برنامه‌های آموزشی بوجود آید. کاربرد روش‌های اکتشافی و فعال زمینه را برای بروز خلاقیت در فراگیران مساعد می‌سازد. به‌عبارتی در این روش، فراگیر خود باید مستقیماً با مساله مواجه شود و به کشف روابط و فرآیندها و تحلیل‌ها بپردازد، حمایت از این روش آموزشی در سطح آموزش متوسطه و دانشگاه و سپس در سطح جامعه باز، امکان بروز خلاقیت و تحقق خویشتن را ایجاد می‌کند [۱۶].

خلاقیت دارای ابعاد مختلفی است، از جمله شرایط فیزیکی، روابط عاطفی بین افراد، امکانات علمی و آموزشی، انگیزه کار معلمان، طراحی فضای کلاس مانند طرز نشستن و غیره را دربر می‌گیرد [۲۹]. جو کلاس، روش تدریس معلم، انگیزه دانشجو و روحیه پژوهشگری از عوامل بسیار مهم بروز خلاقیت و در نتیجه تولید تفکر و علم به‌شمار می‌رود. آنچه در این میان قابل ذکر است، اکتسابی و قابل پرورش

است، چرا که پیش‌شرط هرگونه توسعه‌ای، توسعه فرهنگی است. توسعه بدون دستیابی به فرهنگ خاص آن امکان‌پذیر نیست. توسعه در تمام ابعاد آن به‌شدت تحت تاثیر باورهای فرهنگی است و باید فرهنگ را محور همه برنامه‌های توسعه قرار داد. از این‌رو می‌توان به اهمیت تربیت فرهنگی و بالطبع نظام رسمی تعلیم و تربیت که مهم‌ترین دستگاه متولی طراحی راهبردی نیل به وضعیت فرهنگی مطلوب است، پی‌برد. در نظام آموزشی فعلی، روش‌های تدریس مستقیم (غالباً روش سخنرانی) رایج است و این روش‌ها متضمن عدم فعالیت فراگیران در جریان یاددهی - یادگیری است و مجموعه‌ای از خصوصیات فرهنگی نامطلوب از قبیل تسلیم و انقیاد در برابر شرایط موجود، عدم رغبت و اهتمام نسبت به یادگیری و تعلم و مشارکت با دیگران در حل مشکلات اجتماعی را به‌دنبال می‌آورد [۲۴]. لذا برای مقابله با چنین شرایطی، انتخاب راهبردهای مناسب آموزشی ضروری به‌نظر می‌رسد. از جمله این راهبردها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- انعطاف‌پذیری: تعلیم‌دهندگان خلاقیت به علت اعتقاد به منحصربه‌فردبودن هر یک از فراگیران، روش‌های آموزشی و پرورشی خود را با شناختی که از فراگیر و شرایط اجتماعی و فرهنگی او دارند، تطبیق دهند [۲۵].
- ۲- کاوش ذهنی: به‌جای اینکه اطلاعات فراوانی به فراگیر داده شود، باید آنها را به جستجوی اطلاعات رهنمون ساخت. آزادگذاشتن فراگیران برای اظهارنظر و بیان ایده‌های آزاد می‌تواند تمرین خوبی برای کاوش ذهنی و ایده‌پروری باشد [۲۶].
- ۳- توجه به کیفیت تفکر: تعلیم‌دهندگان خلاقیت بر این باورند که بهترین و خلاق‌ترین فکر و راه‌حل به‌سرعت به‌دست نمی‌آید و در بسیاری از موارد مستلزم تفکری با تامل به‌جای تفکر آنی است. در نتیجه آنان از فراگیر انتظار ندارند که سئوالی را باسرعت زیاد و بدون تفکر و تامل و درنظرگرفتن جوانب مختلف آن پاسخ‌دهد [۲۵].
- ۴- توجه به کیفیت یادگیری: تعلیم‌دهندگان خلاقیت باید ضمن تاکید بر اهمیت اطلاعات فراگرفته‌شده، بر کیفیت یادگیری به‌ویژه یادگیری چندرشته‌ای تاکید خاص کنند تا فراگیران علاوه بر دیدگاه‌های خود و تحلیل آنها به دیدگاه‌های کلان نیز توجه نمایند [۲۶].

نقش آموزش عالی در گسترش خلاقیت و توسعه پایدار

نظام آموزش عالی نقشی اساسی و محوری در فرآیند توسعه ملی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف توسعه‌یافتگی کشور دارد. سرمایه‌گذاری اصولی در این بخش درواقع، ایجاد امکانات و تسهیلات برای نسل‌های آینده و اقدام صحیح در جهت توسعه علمی کشور به‌شمار می‌رود. به‌موازات این سرمایه‌گذاری، انتظار معقول و به‌حق جامعه از نظام آموزش عالی، ایفای نقش اصولی و موثر در ساختار توسعه پایدار است. در اینجا آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا آموزش در میزان خلاقیت اثری دارد؟ برای پاسخ به این سؤال به این نکته *بیازنه* اشاره می‌کنیم که "هرگاه چیزی به کودک یاد دهیم، مانع

انتخاب محدود: افرادی که در انتخاب چگونگی انجام کار محدود هستند کمتر خلاق هستند.

گرایش به پاداش‌های بیرونی: افرادی که به جای اهمیت دادن به محرک‌های درونی به محرک‌های بیرونی فکر می‌کنند، خلاقیت کمتری خواهند داشت.

تورنس، موارد زیر را برای هرچه خلاق تر کردن نظام آموزش عالی پیشنهاد می‌کند [۳۳]:

- تفکر خلاق را با ارزش بدانید.
- دست کاری اشیاء و عقاید را تشویق نمایید.
- چگونگی آزمودن منظم عقاید خود را یاد بدهید.
- تحمل عقاید تازه را افزایش دهید.
- در کلاس جوّی خلاق ایجاد کنید.
- اطلاعات لازم راجع به فرآیند خلاقیت را ارائه دهید.
- احساس ضعف در برابر شاه‌کارها را دور کنید.
- یادگیری خودانگیزنده را تشویق کنید و برای آن ارزش قایل شوید.
- برای رسیدن به عقاید، منابع قابل دسترس فراهم کنید.
- عادت رسیدن به کاربرد کامل عقاید را تشویق کنید.

نتیجه گیری

موسسات آموزش عالی در تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز کشور نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ برای تربیت چنین افراد متخصصی که بتوانند منطقی و خلاق بیاندیشند به تغییراتی فراگیر و عمیق در نظام آموزش عالی نیازمندیم. با توجه به اینکه یاددهندگان، به‌عنوان رکن اساسی نظام تربیتی، نقشی بسیار اساسی در پرورش خلاقیت دارند جا دارد که برنامه‌ریزان آموزشی و مجریان و سیاست‌گذاران در گزینش و آماده‌سازی آنها توجه خاص مبذول دارند. لذا کلید تربیت فرهنگی که خود کلید توسعه، ترقی و تکامل جامعه است باید در دست معلمان نوجو و نوآوری یافت که نسبت به استفاده هوشمندانه، خلاقانه و مبتکرانه الگوهای مختلف تدریس وفا دارند [۱۵].

جامعه به توسعه پایدار نخواهد رسید مگر اینکه به گسترش تفکر خلاق در آموزش عالی توجه اساسی نماید و گسترش تفکر خلاق، در گرو سپردن کلید تربیت فرهنگی جامعه به دست معلمان نوجو و نوآور است که به الگوهای خلاقانه تدریس وفادارند.

منابع

- 1- Vernon PE. The nature-murture in creativity. In: Glover GA, Royce R, Ronnongandcecil RR. Handbook of creativity. New York: Plenum Press; 1989.
- ۲- ایران منش مهدی، کامرانی احسان. نقش آموزش عالی در توسعه پایدار. تهران: مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ ۱۳۸۳.
- 3- Sternberg RQ, Lubart TI. Investing in creativity. Am psychol. 1996;51(5):677-88.
- ۴- شهرآرای مهرناز. خصوصیات پرورش‌دهندگان بویایی و خلاقیت. مجله پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت. ۱۳۷۴؛ ۱۱(۴):۱۸-۹.

بودن خلاقیت است. بی‌تردید در پرورش و ایجاد خلاقیت در فراگیران، معلمان نقش مهمی را ایفا می‌کنند [۳۰]. لذا به معلمان و برنامه‌ریزان درسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی موارد زیر توصیه می‌شود:

۱- توجه به تفاوت‌های فردی: از آنجا که بعضی از افراد دارای تفکر آنی و برخی دیگر تفکر توأم باتامل هستند، تعلیم‌دهندگان خلاقیت باید به تفاوت‌های فردی فراگیران خود در زمینه‌های مختلف پرورشی و آموزشی توجه خاص داشته باشند [۳۱].

۲- استفاده تلفیقی از "تفکر واگرا" و "تفکر همگرا": معلمان که اجازه بروز تفکر خلاق را به فراگیر می‌دهند، از تفکر واگرا که "تفکر خلاق یا تفکر افقی" نامیده می‌شود، در کنار تفکر همگرا استفاده می‌کنند. در تفکر همگرا ذهن از چند راه‌حل ارائه شده یکی را انتخاب می‌کند اما در تفکر واگرا برعکس تفکر همگرا، ذهن متوجه جستجوی تمام راه‌حل‌های ممکن برای یک مساله است [۳۲].

۳- استفاده از روش بحث و گفتگوی آزاد و متقابل: معلمان که اجازه بروز تفکر خلاق را به فراگیر می‌دهند، سخنان خودجوش و گفتگوی آزاد و متقابل و غیرقالبی را به فراوانی به کار می‌گیرند [۳۳].

۴- استفاده از روش فعال در تدریس: معلمان که اجازه بروز تفکر خلاق را به فراگیر می‌دهند؛ به به‌کارگیری صحیح مکانیزم‌های حسی - تحلیلی فراگیر در یادگیری تاکید دارند [۳۳].

۵- استفاده از روش طوفان مغزی: معلمان که اجازه بروز تفکر خلاق را به فراگیر می‌دهند از روش طوفان مغزی به‌منظور افزایش انعطاف‌پذیری و سیالی ذهن در جهت تولید ایده‌های بیشتر و در عین حال جدید استفاده می‌کنند [۳۲].

۶- استفاده از تجربه‌های مستقیم: معلمان که اجازه بروز تفکر خلاق را به فراگیر می‌دهند، ضمن حساس کردن فراگیران به محرک‌های محیطی، شرایط مناسب برای دست کاری اشیاء، تجربه و آزمایش کردن به‌طور مستقیم را برای آنها فراهم می‌آورند [۳۳].

موانع پرورش خلاقیت در آموزش عالی

آموزش‌های سنتی بر تعلیم مستقیم و به‌عبارت دیگر به تقلید و انتقال متمرکز است [۱۵]. بنابراین خلاقیت در آموزش سنتی جای اندکی دارد، به‌طوری که شاید بتوان گفت خلاقیت نه‌تنها فراموش، بلکه خفه و خاموش شده است. *آماییل*، موانع پرورش خلاقیت را در افراد به شرح زیر بر می‌شمارد [۳۴]:

ارزیابی افراد بر مبنای انتظارات: افراد خلاق به خاطر ترس از ارزیابی عملکرد خود به‌راحتی نمی‌توانند فعالیت کنند.

نظارت و مراقبت: افراد اگر احساس کنند که در هنگام فعالیت، مراقب آنها هستند، کمتر خلاق خواهند بود.

پاداش: افراد خلاق بیشتر به دنبال رضایت درونی هستند تا پاداش‌های معمولی و مادی.

رقابت: افرادی که در کارشان با دیگران در حال رقابت ناسالم هستند خلاقیت کمتری خواهند داشت.

- ۲۰- مهرمحمدی محمود. بررسی ارتباط میان تربیت فرهنگی، الگوهای نوین تدریس و خلاقیت. مجله پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت. ۱۳۷۴؛ ۱۱(۴):۶۱-۳۷.
- 21- Simontin DK. Creative productivity: A predictive and explanatory model of career trajectories and landmarks. *psychol rev.* 1997;2(2):66-89.
- 22- Lambert W, Truker GR. Cognitive and attitudinal consequences of bilingual schooling. *J Educ psychol.* 1973;21(65):141-59.
- 23- Albrech K, Albrech S. The creative corporation. Home Wood: Illionis, Dow Jones- Irwin; 1987.
- ۲۴- رئوفی محمد. دانشگاه و توسعه فرهنگی. فصل نامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۱۳۷۴؛ ۳(۲):۱۰۶-۷۹.
- ۲۵- آسبورن الگزاندر فیکنی الکس. پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. قاسم زاده حسن، حسن زاده حسن، مترجمان. تهران: انتشارات نیلوفر؛ ۱۳۸۶.
- ۲۶- رئوف علی. تکنولوژی آموزشی. مجله رشد تکنولوژی آموزشی. ۱۳۷۷؛ ۶(۶):۶۳-۵۱.
- 27- Piaget Y. The origine of intelligence in children. New York: International University Press; 1995.
- ۲۸- کریمی عبدالعظیم. آموزش مانع خلاقیت. نشریه مدیریت در آموزش و پرورش. ۱۳۷۳؛ ۲(۱۰):۴۱-۲۷.
- 29- Alexander R, Rose G, Woodhead C. Curriculum organization and classroom practice-a discussion paper. London: DES; 1992.
- 30- Woods P. Teacher skills and strategies. Lewes: Falmer Press; 1990.
- ۳۱- پیازه ژان. تربیت به کجا ره می سپرد؟. منصور محمود، دادستان پریخ، مترجمان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۶۹.
- 32- Bohm D. On creativity. London: Routledge 11 New Fetter Lane; 1998.
- 33- Torrance EP. An interview with E. Paul Torrance, about creativity. *Educ a Psychol Rev.* 1998;4(10):441-52.
- ۳۴- حقیقی محمدعلی، رحیمی نیک اعظم. مدیریت رفتار سازمانی. چاپ چهارم. تهران: ترمه؛ ۱۳۸۴.
- ۵- فکوهی ناصر. انسان شناسی و توسعه. ۱۳۸۲ [دسترسی ۴، ۱۳۸۸، شهریور]. قابل دسترس از: <http://www.bashgah.net/pages-4870.html>
- ۶- مشایخ، فریده. فرایند برنامه ریزی آموزشی. تهران: انتشارات مدرسه؛ ۱۳۸۲.
- ۷- تودارو مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم. فرجادی غلام علی، مترجم. تهران: سازمان برنامه و بودجه؛ ۱۳۷۰.
- ۸- عظیمی حسین. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: انتشارات شرفی؛ ۱۳۷۱.
- ۹- عبداللهی محمود. جامعه شناسی و توسعه اجتماعی در ایران. فصل نامه رهیافت. ۱۳۷۳؛ ۶ قابل دسترس از: <http://www.fast-iran.com/far/pdf/rahyaf06/6-3.pdf>
- ۱۰- هریسون دیوید. جامعه شناسی نوسازی و توسعه. علی رضا کلوی، مترجم. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی؛ ۱۳۷۳.
- ۱۱- بازان تونی. نیروی نبوغ خلاق. صالحی حورزاد، مترجم. تهران: پارس سپند؛ ۱۳۸۴.
- ۱۲- خلیلی اعظم. پرورش خلاقیت در کودکان. تهران: موسسه فرهنگی هنری دیباگران؛ ۱۳۸۲.
- 13- Craft A. Creativity across the primary curriculum Framing and developing practice. London: Newfetter Lane; 2000.
- ۱۴- کاندگون پیترگ. ضرورت شناسایی کودکان تیزهوش. یزدانی فاطمه، مترجم. مجله استعداد درخشان. ۱۳۷۱؛ ۴(۱):۷۱-۵۸.
- 15- Nahas Angula MP. Speech of minister of higher education and the development challenge in emergent nations of UNESCO in Namibia. 5-9 October; 1998.
- 16- Beetlestone F. Creative children imaginative teaching. Bury Dmunds, Suffolk: Edmundsbuy Press Ltd; 1998.
- 17- Gardner H. Creating minds: An anatomy of creativity seen through the lives of Freud Picasso, Stravinsky Eliot, Graham and Grandhi. New York: Basic; 1993.
- 18- Hallington M. The ecology of human creativity: A Psychology of perspective. London: Sage Pub; 1990.
- 19- Cortese A. Education for sustainability: The university as a model of sustainability. New York: Second Nature, Inc; 1999.